****

[(مسألة 362): بررسی حکم ترک احرام حج تمتع از روی نسیان یا جهل 1](#_Toc488666119)

[بررسی روایات 1](#_Toc488666120)

[کلام محقق خوئی ره 3](#_Toc488666121)

[نقد کلام محقق خوئی ره 4](#_Toc488666122)

**موضوع**: احکام احرام /احرام /واجبات حج

**خلاصه مباحث گذشته:**

متن خلاصه ...

## (مسألة 362): بررسی حکم ترک احرام حج تمتع از روی نسیان یا جهل

**من ترك الاحرام نسيانا، أو جهلا منه بالحكم الى أن خرج من مكة، ثمّ تذكر أو علم بالحكم‌ وجب عليه الرجوع الى مكة، و لو من عرفات و الاحرام منها. فان لم يتمكن من الرجوع لضيق الوقت أو لعذر آخر يحرم من الموضع الذي هو فيه و كذلك لو تذكر أو علم بالحكم بعد الوقوف بعرفات و إن تمكن من العود الى مكة و الاحرام منها و لو لم يتذكر و لم يعلم بالحكم الى أن فرغ من الحج صح حجه**.[[1]](#footnote-1)

جهل شامل موارد بطلان احرام هم می شود، مثل کسی که از مکه جدیده محرم شده، اما مقلد کسی است که آن را باطل می داند.

### بررسی روایات

در این مورد دو روایت داریم که فعلا روایت علی بن جعفر را بررسی می کنیم:

شیخ طوسی در دو جا از کتاب علی بن جعفر از موسی بن جعفر علیهما السلام این روایت را نقل می کند در یک سند محمد بن احمد علوی است که توثیق ندارد: مُحَمَّدُ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ الْعَلَوِيِّ عَنِ الْعَمْرَكِيِّ بْنِ عَلِيٍّ الْخُرَاسَانِيِّ عَنْ عَلِيِّ بْنِ جَعْفَرٍ عَنْ أَخِيهِ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ ع قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنْ رَجُلٍ نَسِيَ الْإِحْرَامَ بِالْحَجِّ فَذَكَرَهُ وَ هُوَ بِعَرَفَاتٍ مَا حَالُهُ قَالَ يَقُولُ اللَّهُمَّ عَلَى كِتَابِكَ وَ سُنَّةِ نَبِيِّكَ فَقَدْ تَمَّ إِحْرَامُهُ فَإِنْ جَهِلَ أَنْ يُحْرِمَ- يَوْمَ التَّرْوِيَةِ بِالْحَجِّ حَتَّى رَجَعَ إِلَى بَلَدِهِ إِنْ كَانَ قَضَى مَنَاسِكَهُ كُلَّهَا فَقَدْ تَمَّ حَجُّهُ.[[2]](#footnote-2)

اما در جای دیگری از تهذیب، سندش صحیح است و از کتاب علی بن جعفر نقل می کند و به کتاب وی نیز شیخ طوسی هم در مشیخه تهذیب سند صحیح دارد و هم در فهرست که در این جا به شکل دو سوال مطرح شده است: عَلِيُّ بْنُ جَعْفَرٍ عَنْ أَخِيهِ ع قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنْ رَجُلٍ كَانَ مُتَمَتِّعاً خَرَجَ إِلَى عَرَفَاتٍ وَ جَهِلَ أَنْ يُحْرِمَ يَوْمَ التَّرْوِيَةِ بِالْحَجِّ حَتَّى رَجَعَ إِلَى بَلَدِهِ مَا حَالُهُ قَالَ إِذَا قَضَى الْمَنَاسِكَ كُلَّهَا فَقَدْ تَمَّ حَجُّهُ وَ سَأَلْتُهُ عَنْ رَجُلٍ نَسِيَ الْإِحْرَامَ بِالْحَجِّ فَذَكَرَ وَ هُوَ بِعَرَفَاتٍ مَا حَالُهُ قَالَ يَقُولُ اللَّهُمَّ عَلَى كِتَابِكَ وَ سُنَّةِ نَبِيِّكَ فَقَدْ تَمَّ إِحْرَامُهُ.[[3]](#footnote-3)

عمده استدلال ما به این نقل دوم در تهذیب است که سند صحیح دارد و مقداری با نقل اول متفاوت است، اما کلا این روایت علی بن جعفر دو فرض را فقط مطرح کرده، فرض اول، فرض نسیان احرام حج تمتع و تذکر آن در عرفات است که حضرت فرمود در این صورت از همان عرفات محرم شود و نفرمود که لبیک بگوید بلکه فرموده بگوید اللهم علی کتابک و سنة نبیک و لکن ظاهرا تسالم بر وجوب لبیک است، زیرا بدون تلبیه احرام منعقد نمی شود و آیت الله زنجانی احتیاط واجب داده که همراه با تلبیه، جمله منقول در روایت را هم بگوید.

اما اگر فراموش کرد و در مشعر یا منی متذکر شد، این روایت بر حکم آن دلالت ندارد.

فرض دوم، فرض جهل است که بعد از رجوع به بلد، رفع جهل شده است که در روایت فرموده حج او صحیح است، اما اگر در اثناء مناسک رفع جهل شود، حکمش در این روایت بیان نشده است.

### کلام محقق خوئی ره

اگر در عرفات رفع نسیان یا جهل شود و بتواند به مکه برگشته و محرم شود و قبل از غروب آفتاب، مسمی وقوف اختیاری را درک کند، باید این کار را بکند، زیرا روایت از فرض تمکن از واجب اختیاری انصراف دارد، زیرا در آن زمان اگر کسی می خواست از عرفات به مکه برگردد، هشت فرسخ رفت و برگشت او به طول می انجامید، مگر با اسب تندرو برود که فرض غیر متعارفی است و روایت از آن منصرف است (در حالی که آیت الله زنجانی انصراف را قبول ندارد و فرموده اصلا برخی از قبل ظهر عرفه به عرفات می آمده اند و می توانسته اند برگردند و حتی در ظهر عرفه نیز در روزهای تابستانی که بلند است، می توانسته اند برگردند و لذا اطلاق روایت نفی لزوم رجوع می کند و ظاهرا کلام ایشان خالی از وجه نیست.) اما اگر خوف دارد، از همان عرفات محرم شود.

اما اگر بعد از عرفات، متذکر یا عالم به حکم شود، در همان مکان رفع نسیان یا جهل محرم می شود و اگر هم بعد از اتمام مناسک حج، متذکر یا عالم شود، حجش صحیح است.

ان قلت: یک قسمت روایت در رابطه با نسیان و تذکر در عرفات بود و یک قسمت روایت در رابطه با جهل و عالم شدن بعد از اتمام مناسک بود، پس چگونه حکم کلی در هر دو علی وزان واحد استفاده کردید؟

قلت: روایت به سند اول، فاء تفریع دارد: فَإِنْ جَهِلَ أَنْ يُحْرِمَ و این نشان می دهد که جهل و نسیان تفاوتی در حکم نمی کند، علاوه بر این که نسیان هم قسمی از جهل است، نسیان همان جهل مسبوق به علم است و وقتی که روایت در رابطه با جهل و عالم شدن بعد از مناسک، حکم به صحت حج کرده، ناسی هم یکی از افراد جاهل است، و اصلا اولویت دارد، زیرا برای جاهل امکان احتیاط وجود دارد، اما ناسی اشد عذرا است و امکان احتیاط ندارد و رفع حکم او، رفع واقعی است و لذا امر او اسهل است.

#### نقد کلام محقق خوئی ره

اولا: تعبیر فاء در نقل اول آمده که سندش ضعیف است، خود ایشان هم علوی را ضعیف می داند.

ثانیا: وقتی دو نقل داریم و در یکی تفریع نشده است، مجمل می شود و معلوم نیست که از امام علیه السلام کدام صادر شده است.

ثالثا: فاء بیش از ترتیب را نمی رساند، و ممکن است در این جا ترتیب ذکری باشد، نه این که تفریعی داشته باشد، مثل این آیه شریفه: و نادی نوح ربه فقال رب ان ابنی من اهلی، این فاء ترتیب ذکری است.

و اصلا در روایت، مطلب دوم متفرع بر مطلب اول نیست و ارتباطی با هم ندارند که بر هم متفرع شوند.

رابعا: ناسی حکم از اقسام جاهل به حکم است، اما مورد روایت، نسیان موضوع است، زیرا فرموده نسی الاحرام، فذکره، یعنی خود احرام را متذکر شد و نه حکم احرام را و معلوم می شود مورد روایت، نسیان موضوع است.

بله؛ بعید نیست گفته شود وقتی حج جاهل به حکم بعد از اتمام حج هم صحیح است، حتی اگر جاهل مقصر باشد، به فحوای عرفی ناسی موضوع حجش صحیح است و ما هم همین نظریه را داریم، مشکل ما با محقق خوئی در کیفیت استدلال بر مطلب است و نه خود حکمی که ایشان بیان نموده است.

لکن عرض ما این است که از روایت استفاده می شود بعد از قضاء مناسک و رجوع به بلد اگر ملتفت یا عالم شد، حجش صحیح است، در عرفات هم اگر متذکر شود، حج او صحیح است، زیرا فقط فوت احرام از مکه شده بدون این که ارکان حج از او فوت شده باشد، اما نمی شود از این روایت حکم تذکر یا حصول علم بعد از وقوف اختیاری به عرفات و قبل از اتمام حج و رجوع به بلد را به دلالت مطابقی استفاده نمود.

و سخت تر از آن جایی است که زمان وقوف اضطراری هم گذشته باشد.

1. [مناسك الحج (للخوئي)، ص: 156‌](http://lib.eshia.ir/21006/1/154) [↑](#footnote-ref-1)
2. [وسائل الشیعة، الشیخ الحر العاملي، ج5، ص175، أبواب باب الإحرام للحج، باب11، ح، ط آل البيت.](http://lib.eshia.ir/11025/5/175/فذکره) [↑](#footnote-ref-2)
3. [تهذيب الأحكام؛ ج‌5؛ 476؛ 26 باب من الزيادات في فقه الحج ؛ ج 5، ص : 387](http://lib.eshia.ir/10083/5/476) [↑](#footnote-ref-3)